

**باکو تل آویو نخواهد شد / یادداشت**

در روزهای اخیر برخی رسانه ها در کشور دوست و برادرمان جمهوری آذربایجان، رییس محترم جمهور اسلامی ایران را با القابی ناشایست خطاب کردند و ایشان را متهم به دروغ در باب عهدنامه های گلستان و ترکمانچای نمودند. ذکر چند نکته را در این باب خطاب به همکاران رسانه ای خودم در کشور برادر و همسایه، جمهوری آذربایجان، ضروری می دانم.

به گزارش آران نیوز:

**نخست:** آقای روحانی رییس جمهور محترم ایران، از عهدنامه هایی تاریخی صحبت کرده اند که در همه محافل علمی و تاریخی و سیاسی دنیا روایتی آشکار از آن موجود است. جزء در گفتمان رسمی آموزشی کشور دوست و برادرمان جمهوری آذربایجان. **دوم:** جمهوری آذربایجان برای ما ایرانیان واحد سیاسی مستقلی است که استقلال آن را در همان اوایل دهه ۹۰ میلادی قرن بیستم به رسمیت شناخته ایم. نه ادعای مالکیت ارضی در باب رایون هایش را داریم و نه قصدی برای تصرف. اما برخی برادران ما در آن سوی ارس از تاریخ واهمه دارند و مدام بر طبل روایت خود از عهدنامه ای که نماینده شاه قاجار ایران که دست بر قضاء ترک بود آن هم ترک خزر با نماینده تزار روس بست می کوبند تا تاریخ را در هیاهو گم کنند. همین برادران را حواله می دهیم به نوشته های اصیل «محمد امین رسول زاده»، البته اگر تا حالا معدوم نشده باشد.

**سوم:** هویت ملی در ایران و جمهوری آذربایجان دو مسیر متفاوت را طی می کند. ما قصد نداریم امروز را در گذشته بسط دهیم، نگاه ما به آینده است. وگرنه این که روزگاری از «باب الابواب» تا «افریقیه» در سیطره سم اسپان سپاهیان ایران بود، دردی از امروز ما دوا نمی کند. نه استانبول با لاتین نوشته شد «بیزانس» و نه بادکوبه با کریل نوشته شد «مسکو» در این باب سخن بسیار است که از آن می گذرم. این قدر هست که ما نه به یک وجب از خاک و نه یک نفر از نفوس کشور دوست و برادرمان نظر نداریم که خودمان هشتاد میلیون بیشتريم و با برادرانمان از ترک و عرب و افغان و شیعه و سنی در صدد فتح بیت المقدسیم و نه بادکوبه. باکو برای ما عزیز است و جایی مثل قم، تبریز، تهران و همه شهرهای ایران میزبان شما در سفرهایتان به ایران. خداییش سفر شما به ایران راحت تر است یا سفر ما به باکو؟ شما از ما پول سفر می گیرید و ما نه. اینجا خانه دوم شماست عزیزان. خانه پدری. آنجا هم برای ما حکم خانه دوم را دارد. خانه فرزند و برادران و خواهرانمان. شما پول هم بگیریید ما به دیدنتان خواهیم آمد.

**چهارم:** یکی به جناب فضایل ابراهیمی و فاضل مصطفی بگوید کمی تاریخ بخوانند تا دروغ نگویند. از عهد ساسانیان به این سو، تا روزگاری که نظامی هفت پیکر می سرود و خاقانی در ترصیع شعر فارسی بود، گنجه نگین آران بود و در دربند که باب الابواب ایران بود، قمری برای امام حسین (ع) نوحه می سرود. صفویه، سه پایتخت داشت و دویست سال بر ایران حکومت کرد که تنها شاه اسماعیل در تبریز تاج گذارد و اذان شیعه را بر مناره ها برد و از محقق اردبیلی اذن گرفت و دو پایتخت دیگر صفویه قزوین بوده و اصفهان.

اما ما باکو امروز را پایتخت جمهوری آذربایجان می شناسیم نه استانبول کوچک و نه حتی تبریز مینیانوری در قفقاز. البته آگاهان واقفند که این اظهارات معطوف به بحث اوراسیاست و به قول تبریزی ها «هاردان سینیب هاردان سس وئریر». پنجم: زیاد از شما شنیده ایم که «اومان یئردن کوسرلر» ما اهل قهر با دشمنانیم نه با دوستان و برادران خود «بیز کوسینتی دئییلیک قارداش» اما گلابه داریم که چرا برای شهدای ایرانی جنگ قره باغ، بنای بادبود نمی سازید؟ ششم: از برخی پژوهشگران آذری شنیده ام که شیطان بزرگ در ینگه دنیاست و شیطان کوچک در خاورمیانه. به همان که در خاورمیانه است می گویم: باکو، تل آویو نخواهد شد ولی دور نباشد که تل آویو بشود تل الربیع.